

تحریم انتخابات عراق و قدرت مردم

حقوق معلمان ایران در قعر جدول حقوق معلمان سراسر جهان

انتخابات پارلمانی عراق، جدا از چگونگی تقسیم کرسی‌های پارلمان و در پی آن بازتقسیم کرسی‌های وزارت بین گروه‌های فاسدی که در تمام این سال‌ها حکومت را در دست داشتند، نتایج مهمی داشت، از تحریم وسیع انتخابات توسط مردم عراق تا افزوده شدن بر بحران‌های جمهوری اسلامی در سیاست خارجی.

در اولین انتخابات پارلمانی عراق پس از سرنگونی صدام حسین که در ۲۴ آذر ۱۳۹۲ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۵) برگزار گردید، ۷۹ درصد از واجدان شرایط شرکت کردند. ۱۶ اسفند ۸۸ (۷ مارس ۲۰۱۰) ۶۲٪ درصد مردم عراق در دومین انتخابات پارلمانی عراق شرکت کردند. ۴ سال بعد در اردیبهشت ۹۳ (آوریل ۲۰۱۴) ۶۲ درصد در سومین انتخابات پارلمانی شرکت کردند.

اردیبهشت ۹۷ (مه ۲۰۱۸) در چهارمین انتخابات پارلمانی عراق، تعداد شرکت‌کنندگان به میزان زیادی کاهش یافت و به ۴۴/۵۲ درصد رسید، به عبارت دیگر اکثریت مردم برای اولین بار در انتخابات شرکت نکردند. در این انتخابات در حالی که تعداد واجدان شرکت ۲۴ میلیون نفر اعلام شده بود، از این تعداد تنها ۱۰ میلیون و ۸۴۸ هزار نفر شرکت کردند. کمتر از دو ماه بعد از این انتخابات اعتراضات سراسری مردم عراق بار دیگر آغاز گردید. اعتراضات مردمی در عراق از سال ۹۴ (ژوئیه ۲۰۱۵) آغاز گردید که در سال‌های بعد ادامه و گسترش یافت. در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ اعتراضات به حدی وسیع شد که عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق به خواست آخوند سیستانی مجبور به استعفا گردید و پارلمان عراق نیز برای کاهش اعتراضات مردم مجبور شد قانون انتخابات را که به نفع گروه‌های در قدرت تنظیم گردیده بود، اصلاح کرده و به اصطلاح شرایط را برای حضور دیگران در انتخابات فراهم سازد.

در انتخابات اخیر عراق نیز که حدود ۷ ماه زودتر از موعد مقرر در ۱۰ اکتبر برگزار شد، به‌رغم تلاش گروه‌های در قدرت، بار دیگر از تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات کاسته شد. در صفحه ۲

نامه ای به اسماعیل بخشی

در صفحه ۹



کمتر کشوری را در تمام جهان می‌توان یافت که نظام آموزشی آن برای طبقه حاکم همانند ایران بی اهمیت باشد و معلمان، تحت ستم رژیم حاکم در وخیم‌ترین شرایط قرار داشته باشند. این ستم بر معلمان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد. معلمان ایران تحت شدیدترین خفقان پلیسی و امنیتی دیکتاتوری عربان دولت دینی در مدارس قرار دارند. رژیم حاکم هیچ منزلت اجتماعی برای آن‌ها قائل نیست. شرایط معیشتی

در صفحه ۳

پیروزی‌ها، ثمره اتحاد و تشکل مستقل کارگران هفت‌تپه



خبر تعیین مدیریت جدید کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه و واگذاری آن به "شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی" (هفت طرح نیشکر خوزستان) روز ۱۹ مهر اعلام شد. این‌ها از قول معاون اقتصادی وزارت کار نوشت "بعد از بازدیدهای میدانی و ارائه گزارش هیئت اعزامی" شرکت هفت‌تپه تعیین تکلیف و به شرکت توسعه صنایع نیشکر واگذار شد. این‌ها همان روز از قول نظام‌الدین موسوی نماینده مجلس نیز چنین نوشت "هفت‌تپه به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی واگذار و حقوق معوقه کارگران با

در صفحه ۱۰

دو سوی تقابل

مردم ایران در مقابل جمهوری اسلامی صف آرایی کرده و روند رو به رشد اعتراض و مقاومت و ایستادگی لایه‌های مختلف جامعه، هیئت حاکمه ایران را به ستوه آورده است. در چنین وضعیتی پر آشوبی که رژیم در آن بسر می‌برد، سراسیمگی، واکنش‌های عصبی و برخوردهای هیستریک نیروهای امنیتی به هنگام بازداشت فعالین سیاسی - اجتماعی، جلوه‌ای از ترک خوردگی دیوار اقتدار و اعتماد به نفس نیروهای سرکوب نظام را در مقابله با پایداری جامعه بازتاب می‌دهد.

تحولات سیاسی - اجتماعی درون جامعه، مقاومت، ایستادگی و بی‌پروایی نیروهای

در صفحه ۵

اوضاع کشور به شدت متلاطم است. بحران انقلابی سرتاپای نظام را فرا گرفته است. سیر تحولات سیاسی و اجتماعی بیش از هر زمان دیگری شتاب گرفته اند. اقتصاد فرو ریخته، خزانه دولت خالی، سفره‌ها کوچک، بیکاری گسترده و مردم به صورت روزانه فقیر و فقیرتر می‌شوند. در چنین وضعیتی پر تلاطمی که جمهوری اسلامی در آن دست و پا می‌زند، صدای اعتراضات بلند و بلندتر شده است، اقتدار رژیم فرو ریخته، بگیر و ببند کارایی سابق خود را از دست داده و بازداشت و زندان و محاکمات قضایی ترسی در دل فعالان سیاسی و کنشگران اجتماعی ایجاد نمی‌کند. کارگران، معلمان، باننشستگان و در گستره‌ای وسیع‌تر توده‌های

تحریم انتخابات عراق و قدرت مردم

عراق، نه احزاب حاضر در پارلمان که از کابینه آینده سهمی ندارند، بلکه نیروی بزرگیست که انتخابات را تحریم کرد.

پیروزی مردم عراق در تحریم بزرگ انتخابات به آن‌ها بیش از گذشته برای رسیدن به خواست‌های خود اعتماد به نفس خواهد داد، نیرویی که فردا در کف خیابان می‌تواند خواست‌های خود را حتا به دولت تحمیل کند.

این نکته را هم در نظر داشته باشیم که مردم عراق در حالی از سلاح تحریم استفاده کردند که معیارهای انتخابات پارلمانی در عراق با جمهوری اسلامی از زمین تا آسمان متفاوت است. اگر در جمهوری اسلامی انتخابات تنها یک زینت است و اساسا انتخاباتی در کار نیست، این مساله در عراق به این‌گونه نیست. بویژه انتخابات اخیر که در محدوده‌ای با استانداردهای دموکراسی‌های کشورهای اروپایی و زیر نظر ناظران بین‌المللی صورت گرفت. ناظرانی که "سلامت انتخابات" را تایید کردند. برای نمونه درحالی که براساس قانون انتخابات عراق، یک چهارم کرسی‌های پارلمان به زنان اختصاص دارد، در این انتخابات ۹۷ زن به پارلمان راه یافتند یعنی ۱۴ کرسی بیشتر از حتما سهمیه مخصوص زنان. ۵۷ تن از این زنان با تکیه به آرای بالای خود و بدون نیاز به سهمیه موفق به راه یافتن به پارلمان شدند. اما با این وجود حداقل ۶۰ درصد مردم عراق انتخابات را تحریم کردند. این انتخابات همچنین یک بازنده داشت و آن جمهوری اسلامی است. سال‌هاست که جمهوری اسلامی به دلیل سیاست‌های جنایتکارانه و مداخلات‌اش در عراق مورد تنفر مردم عراق است. مردم عراق یکی از دلایل فقر و بیکاری را مداخلات جمهوری اسلامی می‌دانند. مردم عراق همچنین نیروهای وابسته و یا نزدیک به جمهوری اسلامی را که همواره در قدرت سپیم بودند جریاناتی جنایتکار و فاسد می‌دانند. سردادن شعارهایی همچون "بغداد هره هره ایران بره بره" و آتش زدن کنسولگری‌های ایران و یا دفاتر احزاب وابسته به ایران از همان ابتدای آغاز اعتراضات، بیان‌گر همین دیدگاه در میان معترضان عراقی بود.

ترکیب جدید پارلمان عراق نیز بخشا نتیجه‌ی همین وضعیت است. روندی که از چندسال پیش آغاز شد و با بر سر کار آمدن دولت مصطفی الکاظمی تشدید شد.

با ترکیب جدید پارلمان عراق، جمهوری اسلامی عملا نفوذش در پارلمان و در نتیجه تشکیل کابینه کاهش یافت. اما این به مفهوم حذف جمهوری اسلامی در صحنه‌ی سیاسی عراق نیست. کاهش نفوذ نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در پارلمان باعث می‌شود تا جمهوری اسلامی برای حفظ موقعیت خود در عراق بیش از گذشته از بازوی نظامی خود یعنی نیروهای شبه‌نظامی در عراق استفاده کند که نتیجه‌ی آن تشدید بحران

در صفحه ۴

شکست خورده بودند، نگفتند آن ۶۰ درصدی که شرکت نکردند چه کسانی هستند؟ گویی آن ۶۰ درصد که اکثریت مردم عراق هستند "فرزندان عراق" نیستند. چرا که این ۶۰ درصد بخش بزرگی از همان مردمی هستند که در اعتراض به فساد همین گروه‌ها و در اعتراض به فقر و بیکاری دست به اعتراض زدند و همین گروه‌های کوچک اما مسلح به روی‌شان آتش گشودند و بیش از هزار تن از آن‌ها را به قتل رساندند، و حتا دست به ترور سازماندهندگان اعتراضات و افشاگران فساد و دزدی‌های‌شان زدند.

با نگاهی به آمار شرکت‌کنندگان در انتخابات از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱، می‌بینیم که به موازات رشد آگاهی و نارضایتی مردم از ساختار حکومتی، فساد مقامات دولتی و احزابی که قدرت را بین خود تقسیم کرده بودند، بیکاری و فقر، معضل برق و غیره، از میزان شرکت‌کنندگان در انتخابات نیز کاسته شده است. اکثریت مردم عراق به‌خوبی درک کرده‌اند که سیستم حاکم را با انتخابات پارلمانی نمی‌توان تغییر داد. حتا برخی از برندگان انتخابات از جمله افراد مستقل و گروه‌های تازه تاسیسی همچون "جنبش امتداد" که کرسی‌های‌شان احتمالا از ۱۳ عدد نیز بیشتر است، آرای‌شان را مدیون آن بخشی از مردم هستند که در عین اعتقاد به آن که گروه‌های در قدرت فاسد و دزد هستند، به این توهم داشتند که حضور ائتلاف‌های جدید و یا کاندیداهای مستقل می‌تواند تغییری در وضع موجود بوجود آورد. حتا باید گفت که به‌اصطلاح برندگان انتخابات نیز که با شعارهای مبارزه با فساد و خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی به میدان تبلیغات انتخاباتی وارد شده بودند، همین آرای‌شان را نیز مدیون آن شعارها و توهم برای تغییر از طریق صندوق رای هستند.

اما پیام اصلی انتخابات نارضایتی و در عین حال قدرت مردم عراق با استفاده از سلاح تحریم است. واقعیت بسیار مهم این است که هر دولتی که بر سر کار بیاید، نمی‌تواند این ۶۰ درصد و قدرت آن را نادیده بگیرد. این را هم در نظر داشته باشیم که جمعیت عراق یکی از جوان‌ترین جمعیت‌های جهان است که سن حدود ۶۰ درصد آن کمتر از ۲۵ سال می‌باشد. جوانانی که بیکاری و فقر، نبود آینده و بالاخره فساد و جنایات احزاب همیشه در قدرت، آن‌ها را به‌شدت خشمگین ساخته است. بنابراین اپوزیسیون کابینه آینده برخلاف گفته‌ی "نصار الربیعی" رئیس هیات سیاسی جریان مقتدی صدر که گفته است: "دولت جدید دولتی متشکل از تعدادی از نیروهای سیاسی خواهد بود که اکثریت مجلس را تشکیل می‌دهند و در برابر فراقسیون خواهد بود متشکل از دیگر نیروهای سیاسی پارلمان در نقش اپوزیسیون داخلی!"؛ اپوزیسیون دولت

"کمیساریای عالی مستقل انتخابات عراق" تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات را ۹ میلیون و ۷۷ هزار نفر معادل ۴۱ درصد واجدان شرایط اعلام کرد. براساس آمارهای اعلام شده، تعداد واجدین شرایط برای رای دادن در این انتخابات حدود ۲۵ میلیون نفر بود که با این حساب تعداد شرکت‌کنندگان حتا کمتر از ۴۰ درصد است. آمار ۴۱ درصد براین اساس است که برای حدود ۲۳ میلیون نفر کارت‌های بیومتریک برای شرکت در انتخابات صادر شده بود. همچنین به‌گفته‌ی "احمد الساعدی" از نامزدهای ائتلاف نیروهای حکومت ملی عراق به رهبری عمار حکیم ۱۰ درصد آرای ماخوذه نیز آرای باطله است. به عبارت دیگر آرای باطله بعد از آرای گروه مقتدی صدر با حداقل ۹۰۰ هزار رای باطله در مکان دوم قرار گرفت.

با این حساب می‌توان نتیجه گرفت که آرای به‌اصطلاح برنده انتخابات یعنی گروه وابسته به مقتدی صدر که در انتخابات سال ۲۰۱۸ با یک میلیون و پانصد هزار رای صاحب ۵۴ کرسی پارلمانی و در رتبه اول قرار گرفته بود، نه تنها بیشتر نشده بلکه به رغم کسب حداقل ۷۰ کرسی، آرای مجموع آن کاهش نیز یافته است. حال این گروه با چند گروه دیگر که در بهترین حالت حتا مجموع آرای‌شان به اندازه ۲۰ درصد واجدان شرایط رای در عراق نمی‌رسد و به عبارتی دیگر حتا ۴ میلیون از جمعیت ۴۰ میلیونی عراق به آن‌ها رای نداده‌اند، می‌خواهند بر مردم عراق حکومت کنند و البته با وقاحت نیز خود را منتخب مردم عراق و حکومت خود را برخاسته از دموکراسی می‌خوانند و ادعای حراست از آرای مردم را دارند.

مضحک‌تر آن که گروه‌های بازنده همچون ائتلاف فتح وابسته به ایران به رهبری هادی العامری که گروه‌های شبه‌نظامی همچون کتائب حزب‌الله و غیره در آن حضور دارند به نتیجه انتخابات اعتراض کرده و مدعی می‌شوند که مردم عراق حامی این گروه جنایتکار وابسته به ایران اند.

عماد جمیل عضو تیم رسانه‌ای "کمیساریای عالی مستقل انتخابات عراق" در گفت‌وگوی خبری بر این نکته تاکید کرد که پیش از اعلام نتایج اولیه انتخابات هیچ گروهی از تقلب چیزی نگفت. اما وقتی نتایج اولیه انتخابات پارلمانی عراق اعلام شد، گروه‌هایی که کرسی‌های کمی بدست آورده بودند دست به اعتراض زدند، نتایج انتخابات را یک دروغ بزرگ خواندند و از حق فرزندان عراق و پاسداری از رای آنها سخن به میان آوردند و این که نمی‌گذارند حق مردم زیر پا گذاشته شود!!

اما هیچ‌کدام از آن‌ها، چه آن‌ها که به اصطلاح پیروز انتخابات خوانده شدند و چه آن‌ها که

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

حقوق معلمان ایران در قعر جدول حقوق معلمان سراسر جهان



دولار، عراق ۱۷ هزار و ۸۷۶ دلار، بحرین ۱۱۷۷۹ دلار. یک معلم مدرسه ابتدایی که تازه در عراق استخدام می‌شود در هر ماه لاقلاً ۱۰۰۰ دلار حقوق دریافت می‌کند. حالا این ارقام را مقایسه کنیم با ایران و ببینیم معلمان در چه فقری به سر می‌برند و چه ستمی بر آن‌ها فقط از جنبه معیشتی اعمال می‌شود.

متوسط حقوق ماهانه معلمان در ایران با در نظر گرفتن دهها هزار معلم خرید خدمات، حق‌التدریسی‌ها و غیره که حقوق آن‌ها به ۲ میلیون تومان هم نمی‌رسد، رقمی حدود ۵ میلیون تومان است. اگر آن را با هر دلار ۲۷ هزار تومانی محاسبه کنیم، متوسط حقوق معلمان ایران در هر ماه ۱۸۵ دلار و هر سال ۲۲۲۰ دلار خواهد بود. اگر قرار باشد نمونه‌ای برای این

حقوق ناچیز معلمی در سراسر جهان پیدا کرد، شاید بتوان در اعماق عقب‌مانده‌ترین کشورها در آفریقا نظیر آن را پیدا کرد. ببینید جمهوری اسلامی چه فاجعه عظیمی در ایران به بار آورده که اگر متوسط حقوق معلمان ۴ برابر رقم کنونی باشد، یعنی به ۲۰ میلیون تومان در ماه نیز افزایش یابد، حتی به سطح متوسط حقوق معلمان

در عراق هم نخواهد رسید، تا چه رسد به کشورهای با متوسط حقوق سالانه دهها هزار دلار. با این اوصاف رژیم ارتجاعی حاکم حتی مطالبات حداقلی کنونی معلمان را برای اندکی نجات از اعماق فقر تا به امروز نپذیرفته است. بنابراین، معلمان نیز راهی جز ادامه مبارزه و تشدید آن برای نجات از فقر وحشتناکی که در آن گرفتارند ندارند. آن‌ها همان‌گونه که در قطعنامه

پایانی تجمع سراسری ۲۲ مهر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران آمده است، اعلام کرده‌اند: "در صورت بی‌توجهی حاکمیت به خواسته‌های فرهنگیان، زمان و شیوهی برگزاری اعتراضات گسترده‌تر در فراخوان بعدی به آگاهی خواهد رسید."

معلمان در این قطعنامه خواستار اجرای فوری و کامل طرح رتبه‌بندی شده‌اند، بنحوی که حقوق و مزایای هر فرهنگی حداقل هشتاد درصد حقوق و مزایای اعضای هیئت علمی دانشگاه باشد. معلمان همچنین مخالفت شدید خود را با افزایش ساعت کار موظف از ۲۴ ساعت به ۳۰ ساعت ابراز داشته‌اند.

قطعنامه پایانی تجمع سراسری ۲۲ مهر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران از مطالبات همکاران بازنشسته خود که در شرایط

لااقل ده برابر حتی کمتر از پایین‌تری متوسط حقوق ماهانه و سالانه در این کشورهاست. اگر به آمار و اطلاعاتی که در این مورد انتشار یافته نظری بیفکنیم، در لیست متوسط حقوق سالانه معلمان کشورهای اروپایی با ۱۵ سال تجربه، از بیش از ۱۰۰ هزار دلار تا کمترین آن ۱۹ هزار دلار را می‌توان یافت. مثلاً متوسط حقوق سالانه معلمان در کشور سوئیس ۱۱۰ هزار دلار، لوکزامبورگ ۱۰۱ هزار و ۴۰۷ دلار، هلند ۷۱ هزار دلار، ایرلند ۶۲ هزار و ۳۱۲ دلار، دانمارک ۶۰ هزار و ۱۸۵ دلار، اتریش ۵۵ هزار و ۱۴۱ دلار، تا کشورهای فقیرتر اروپایی از نمونه لیتوانی ۳۳ هزار و ۶۶۷ دلار، یونان ۲۷ هزار و ۳۳۵ دلار و جمهوری اسلواکی ۱۹ هزار و ۲۹۴ دلار است.

متوسط حقوق سالانه معلمان در کانادا نیز ۷۱ هزار و ۶۶۳ دلار، در ایالات متحده ۶۲ هزار و ۱۰۱ دلار و در استرالیا نیز ۶۵ هزار و ۶۵۷ دلار است.

در آمریکای لاتین به‌عنوان نمونه این ارقام برای کلمبیا، ۳۹ هزار و ۹۶۰ دلار، شیلی، ۳۷ هزار و ۸۲۳ دلار، مکزیک ۳۳ هزار و ۹۰۶ دلار و کاستاریکا ۳۳ هزار و ۱۴۳ دلار، کوبا ۸ هزار



و ۳۷۳ دلار است.

به آسیا نگاه کنیم: متوسط حقوق ماهانه معلمان در کره جنوبی ۵۹ هزار و ۱۰۳ دلار، ژاپن ۴۹ هزار و ۴۹۷ دلار، چین ۴۸ هزار دلار، مالزی ۱۵ هزار دلار، فیلیپین ۴۱۲۳ دلار، هند ۴۰۸۹ دلار است.

در قاره آفریقا متوسط حقوق سالانه معلمان در آفریقای جنوبی ۱۵ هزار و ۹۷۹ دلار، تونس ۱۳ هزار و ۱۰۴ دلار، مراکش ۷ هزار و ۲۴۰ دلار است.

اکنون ارقام چند هزاری و دهها هزار دلاری متوسط حقوق سالانه معلمان در کشورهای نامبرده را کنار بگذاریم و به کشورهای پیرامون ایران نگاه کنیم و ببینیم متوسط حقوق سالانه معلمان در این کشورها چند است.

کویت ۳۵۶۶۶ دلار، قطر ۳۴۸۵۲ دلار، ترکیه ۳۳ هزار و ۱۱ دلار، امارات متحده عربی ۳۲۳۳۴ دلار، عربستان سعودی ۲۰۹۴۷

معلمان در چنان مرحله‌ای از وخامت قرار دارد که در زیرخط فقر زندگی را می‌گذرانند. مدت‌های مدیدی است که معلمان به‌رغم تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم استبدادی، بازداشت، اخراج، زندان و تبعید، برای بهبود وضعیت معیشتی خود مبارزه می‌کنند، اما طبقه حاکم بر ایران که صدها میلیارد درآمد کشور را فقط از طریق درآمدهای نفتی در طول چند سال گذشته، غارت و چپاول کرده و هم‌ساله دهها میلیارد دلار صرف هزینه‌های نظامی و اهداف ارتجاعی پان‌اسلامی می‌کند، کمترین توجهی به بهبود



وضعیت معیشتی این قشر اجتماعی زحمتکش که همانند کارگران در اسفبارترین شرایط مادی و معیشتی قرار دارد، نکرده است.

اخیراً نیز معلمان یک‌رشته اعتراضات سراسری را برای تحقق مطالبات فوری خود سازمان داده‌اند که جدیدترین آن تجمعات اعتراضی سراسری ۲۲ مهرماه در بیش از ۲۲ استان و ۵۰ شهر کشور بود. در محور این مطالبات، اجرای کامل طرح رتبه‌بندی معلمان و اجرای کامل قانون خدمات کشوری و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و شاغلان قرار دارد.

با این‌وجود رژیم ارتجاعی و ستمگر حاکم بر ایران از پذیرش این مطالبات که حتی تحقق آن‌ها نیز به‌شواری می‌تواند معلمان و بازنشستگان فرهنگی را به سطح خط فقر ۱۲ میلیونی برساند، تا چه رسد به رفاه نسبی، سرباز زده است.

به‌راستی در مقیاس جهانی کمتر کشوری نظیر ایران را می‌توان یافت که معلمان با شرایط معیشتی فاجعه‌بار در زیرخط فقر زندگی کنند. برای روشن شدن این حقیقت که چه شکاف بزرگی میان حقوق ماهانه و سالانه معلمان ایران با دیگر کشورهای جهان وجود دارد و چه اهمیتی در کشورهای دیگر به رفاه و منزلت اجتماعی معلمان داده می‌شود، کافی است به چند نمونه از سطح حقوق معلمان کشورهای جهان اشاره شود، تا ابعاد فاجعه و ستمی که بر معلمان در ایران می‌رود، بیشتر بر ملا گردد.

این واقعیت امروز بر کسی پوشیده نیست که بهای کالاهای موردنیاز روزمره مردم ایران، با اندکی تفاوت همان است که در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری از جمله در اروپاست. اما حقوق ناچیزی که معلمان ایران دریافت می‌کنند

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

حقوق معلمان ایران در قعر جدول حقوق معلمان سراسر جهان



بسیار وخیمی قرار دارند، در کنار خواست محوری خود دفاع کرده و خواستار اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری شده و تأکید کرده است، "همسان‌سازی حقوق بازنشستگان باید به‌صورت کامل اجرا گردد و بدهکاری دولت به آنان پرداخت شود."

در قطعنامه از مطالبات مربیان پیش‌دبستانی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی که خواهان اشتغال رسمی و امنیت شغلی‌اند حمایت‌شده است. نکته مهم دیگر این قطعنامه، دفاع از آموزش رایگان، عادلانه و باکیفیت، استاندارد تراکم هر کلاس ۱۶ دانش‌آموز، تهیه واکسن مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی و توزیع ماسک و الکل، به‌عنوان حق دانش‌آموزان و برخورداری دانش‌آموزان از امکاناتی مانند تبلت و گوشی هوشمند و اینترنت مناسب، تأمین رایگان این ملزومات برای همه از جمله دانش‌آموزان مناطق محروم و بر تأمین دولتی امکانات آموزش مجازی برای تمام معلمان تأکید شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن اقدامات نیروهای امنیتی و قضایی، به احضار، پرونده‌سازی، بازداشت و اخراج فعالان صنفی، خواهان توقف احضارها، بسته شدن پرونده‌ها، آزادی معلمان دربند و بازگشت به کار معلمان اخراجی شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در این قطعنامه اعلام کرده است: "تنها راه رهایی از فقر و بدبختی و انحطاط اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و برون‌رفت از انزوای بین‌المللی همبستگی و هم‌صدایی است."

همان‌گونه که پیش‌ازین نیز گفته شد، قطعنامه تأکید دارد "در صورت بی‌توجهی حاکمیت به خواسته‌های فرهنگیان، زمان و شیوهی برگزاری اعتراضات گسترده‌تر" اعلام خواهد شد. راه صحیح تحقق مطالبات نه‌فقط معلمان، بلکه عموم کارگران و زحمتکشان و همه ستمدیدگان در همین مبارزه و تشدید آن است. جمهوری اسلامی به همگان نشان داده است که جز فقر و فلاکت عمومی، انحطاط، بی‌حقوقی، سرکوب و استبداد، ارغامی برای مردم ایران نداشته و نخواهد داشت و راه نجات قطعی از فجایعی که این رژیم ستمگر به بار آورده، مبارزات متشکل سراسری برای سرنگونی آن است. این یک راه حل قطعی و رادیکال برای نظام آموزشی کشور و تغییری اساسی در شرایط مادی و معنوی زندگی معلمان کشور است.

تحریم انتخابات عراق و قدرت مردم

نخواهد رفت، چرا که زمان و مجموعه توازن قوای نیروهای درگیر در عراق، به نفع جمهوری اسلامی نیست. اما همین تهدیدات نیز کافی بود تا نتیجه انتخابات کمی به نفع نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی تعدیل شود.

براساس اعلام کمیسیون انتخابات در روز یکشنبه ۲۵ مهر، کرسی‌های ائتلاف فتح از ۱۲ به ۱۷ کرسی افزایش یافت و جالب آن‌که جریان نوپای "جنبش امتداد" که خود را برخاسته از جنبش اعتراضی می‌داند و گفته می‌شد تعداد کرسی‌های پارلمانی آن به ۱۳ خواهد رسید، به ۹ کرسی کاهش یافت!!

جمهوری اسلامی تجربه لبنان و دیگر کشورها را دارد. جمهوری اسلامی در همه‌ی این کشورها با ایجاد گروه‌های شبه‌نظامی - و گاه همراه با آن خرید مقامات فاسد این کشورها با پول مردم ایران - موقعیت خود را تثبیت کرد. در لبنان وزنه‌ی جریان حزب‌الله نه صرفاً به دلیل پایگاه توده‌ای که عمدتاً به دلیل نیروهای مسلح‌اش است. در یمن و عراق نیز اوضاع تقریباً بر همین منوال است. هر جا که جمهوری اسلامی توانسته در صحنه‌ی سیاسی آن نقش ایفا کند، بیش از هر چیز به‌دلیل بازوی نظامی‌اش است. بنابراین بدون تردید جمهوری اسلامی در صورت محروم شدن از نقش داشتن در تعیین نخست‌وزیر و وزرا، بیش از گذشته بر روی بازوی نظامی خود در عراق برای پیش‌برد سیاست‌های منطقه‌ای‌اش تکیه خواهد کرد و این محتمل‌ترین چشم‌انداز چگونگی حضور جمهوری اسلامی در عراق است.

اما در عراق چیزی برای مردم تغییر نخواهد کرد مگر آن‌که کارگران و زحمتکشان، جوانان و زنان عراق این تغییر را عملی کنند. گروه‌ها و ائتلاف‌هایی که اکنون برای رسیدن به قدرت دندان تیز کرده‌اند، مسئول تمامی فجایعی هستند که تاکنون بر سر این مردم آوار شده است و اگر امروز دعوی‌ای میان ائتلاف‌های همیشه حاکم در عراق وجود دارد، دعوا بر سر کسب قدرت برای تصاحب رانت‌های دولتی، برای چپاول مردم و البته برای فریفتن مردم است.

داخلی در عراق خواهد بود، بحرانی که با توجه به مجموعه تحولات منطقه‌ای به نفع ایران تمام خواهد شد. همان‌طور که بحران در مرز ایران و آذربایجان به نفع جمهوری اسلامی جریان ندارد. به عبارت دیگر نتایج انتخابات بر بحران‌های جمهوری اسلامی در منطقه افزود و ضعف‌های آن را آشکارتر ساخت. اما از طرف دیگر جمهوری اسلامی نشان داده است که حکومتی نیست که با نتایج انتخاباتی عرصه را برای دیگران خالی کند، حتی اگر شرایط به ضرر آن در حال چرخش باشد.

سفر فرمانده سپاه قدس یک روز پس از انتخابات عراق به این کشور و واکنش ائتلاف فتح به نتایج انتخابات، بیان‌گر این است که جمهوری اسلامی حتی برای تغییر نتیجه انتخابات، تلاش کرد تا از فشار نیروهای شبه‌نظامی خود استفاده کند.

روز سه شنبه، یک روز پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات که کرسی‌های "ائتلاف فتح" ۱۲ نفر اعلام شده بود، هادی العامری رئیس ائتلاف فتح در بیانیه کوتاه خود با بیان این‌که انتخابات دستکاری شده، نوشت: "به هر قیمتی که شده در برابر آن کوتاه نخواهیم آمد". هم‌زمان اخباری از آماده‌باش شبه نظامیان وابسته به ائتلاف فتح منتشر شد. سالم العبادی از اعضای دفتر سیاسی جنبش عصائب اهل حق نیز گفته بود: "بزرگترین قربانی این نتایج حشد الشعبی است". همان روز ابوعلی العسکری مسئول امنیتی کتائب حزب‌الله نیز انتخابات اخیر را "بزرگترین عملیات فریبکاری و چیزی در حد همه‌پرسی‌های دوران حکومت صدام حسین" نامید. از سوی دیگر "چارچوب هماهنگی نیروهای سیاسی شیعه" که از سوی "ائتلاف فتح" سازماندهی شده، روز چهارشنبه با صدور بیانیه‌ای با رد نتایج انتخابات اعلام کرد "ادامه این وضعیت مسالمت اجتماعی در عراق را با خطر مواجه می‌کند". در پی صدور این بیانیه مقتدا صدر نیز در جواب به بیانیه آن‌ها، در توئیتر خود نوشت: "مسالمت اجتماعی در میهن من با خطر مواجه خواهد شد".

واقعیت نیز این است که جمهوری اسلامی در لحظه‌ی کنونی از حد تهدید فراتر



دو سوی تقابل

معرض به روشنی نشان می دهد که توده های مردم ایران از سد زندان و بند و شکنجه عبور کرده اند، ترس از زندان و دستگیری و حبس به مقدار زیادی فرو ریخته و بازداشت و انفرادی و سرکوب کارایی خود را از دست داده است. دیر زمانی است تهدید زندانبانان بی اثر و زندانیان با سکوت همساز نیستند، آزادی موقت، وثیقه های سنگین و مرخصی های کوتاه مدت که در روزگاران نه چندان دور، زنجیری به پای زندانیان بود و آنان را از هرگونه حرکتی در دوران آزادی موقت باز می داشت، اکنون به فرصتی برای اعتراض و روشنگری علیه شرایط مرگبار زندان و بند تبدیل شده اند.

طبقه حاکم و نیروهای امنیتی برای برون رفت از مخصصه ای که در آن گرفتارند، به تشدید سرکوب در جامعه روی آورده اند. گسیل نیرو، هجوم مغول وار ماموران اطلاعاتی برای دستگیری وکلا، معلمان، هنرمندان، نویسندگان و دیگر فعالان سیاسی - اجتماعی که به طور معمول در محل کار و خانه های خود بسر می برند، به شیوه ای معمول تبدیل شده است.

حمله به دفتر چند تن از وکلای دادگستری، یورش به منزل توماج صالحی، خواننده رب، تهاجم به زندانیان سیاسی در زندان تهران بزرگ (فشافویه)، یورش به منزل عزیز قاسم زاده، سخنگوی کانون صنفی معلمان گیلان و مهمتر از همه هجوم مغول وار بیش از ۳۰ تن از نیروهای امنیتی رژیم برای دستگیری سپیده قلیان، نمونه های روشنی از رویکرد جدید جمهوری اسلامی در مواجهه با فعالان سیاسی - اجتماعی است. افراد فعالی که به نوعی کنش و واکنش های های آنان چه در بیرون از زندان و چه به هنگام بازداشت و حبس، روی لایه های مختلفی از توده های مردم ایران تاثیر گذار است. نگاهی گذرا به چند مورد از چگونگی دستگیری تعدادی از وکلا و فعالین سیاسی - اجتماعی و نیز واکنش آنان پس از بازداشت و حبس، کمک می کند تا تصویر روشنی از شرایط حاکم بر جامعه و کنش های دو سوی این تقابل داشته باشیم.

در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۴۰۰، شش نفر از وکلا و فعالان مدنی در جریان برگزاری جلسه ای در دفتر انجمن حمایت از حقوق شهروندی در تهران بازداشت شدند. این افراد بر آن بودند در ارتباط با سوء مدیریت و عدم اقدام به موقع برای واردات واکسن کرونا و مهار بحران برخاسته از آن، علیه مقامات مسئول جمهوری اسلامی شکایت

برخواستند، نهادهای حقوق بشری دستگیری او را محکوم کردند و درست در شرایطی که دوستداران او نگران سرنوشت او بودند، توماج صالحی ۳۰ شهریور با قرار وثیقه آزاد شد.

سوم مهر، معلمان ایران به درخواست "شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان کشور" در پی عدم پاسخگویی مطالبات شان در بسیاری از شهرهای ایران دست به تجمع اعتراضی زدند. فردای این اعتراضات، چند تن از معلمان از جمله عزیز قاسم زاده، عضو هیئت مدیره و سخنگوی کانون صنفی معلمان گیلان دستگیر شدند. شیوه دستگیری قاسم زاده، دقیقا به سبک و سیاق دستگیری توماج صالحی بود. کانون صنفی فرهنگیان گیلان در توضیح چگونگی تهاجم وحشیانه نیروهای امنیتی به خانه پدری عزیز قاسم زاده نوشت: "روز یکشنبه ۴ مهر، حدود ده نفر لباس شخصی با پریدن از دیوار [خانه] بدون ارائه مجوز و بدون همراهی مامور زن و فرصت و اجازه پوشش به بانوان خانواده در حضور نامحرم، با برخوردی خشونت آمیز آقای قاسم زاده را بازداشت، گوشی همراه وی و خواهرش را ضبط، و او را کتشان کتشان با پای برهنه با دستبند و چشم بند سوار اتومبیل کرده به مکان نامعلومی بردند."

اعتراضات نسبت به دستگیری معلمان از هر طرف بلند شد. عزیز قاسم زاده در اجتماع سوم مهر معلمان گیلان، با تاکید بر اینکه اعتراضات معلمان متکی به فرد نیست، خواستار آزادی همه معلمانی شده بود که زندانی هستند. نیروهای امنیتی گیلان صبح روز برگزاری اعتراضات معلمان، طی یک تماس تلفنی از عزیز قاسم زاده خواسته بودند تا خود را به نهاد امنیتی شهرستان رودسر معرفی کند. از آنجا که قاسم زاده یکی از سخنرانان تجمع اعتراضی معلمان گیلان در همان روز بود، با نهاد امنیتی به توافق می رسد که روز بعد خود را معرفی کند. طبیعتا نیروهای امنیتی انتظار داشتند این تماس تلفنی، سیگنالی برای عزیز قاسم زاده باشد تا دست کم از سخنرانی در مراسم اعتراضی روز سوم مهر پرهیز کند. اما سخنگوی کانون صنفی معلمان گیلان نه تنها این سیگنال نیروهای امنیتی را به هیچ گرفت، بلکه در سخنرانی خود بیش از گذشته بر مطالبات بر حق معلمان پای فشرده و با شجاعتی در خور تحسین گفت: "اعتراض معلمان متکی به فرد نیست. فردا من را هم اگر دستگیر کنید، این اعتراضات ادامه خواهد داشت."

در پی دستگیری معلمان و اعتراضاتی که در حمایت از معلمان زندانی بلند شد، عزیز قاسم زاده بعد از دو هفته با قرار وثیقه آزاد

کنند. وکلا آرش کیخسروی، مصطفی نیلی، محمد رضا فقیهی، لیلا حیدری و فعالان مدنی مهدی محمودیان و مریم افرا افراز بودند. لیلا حیدری در روز ۲۴ مرداد آزاد شد و در روزهای بعد در همراهی با بیش از ۵۰ وکیل دادگستری، با نوشتن نامه ای خطاب به رئیس قوه قضاییه خواستار آزادی فوری وکلای بازداشتی شدند. امضاکنندگان این نامه، بازداشت "وکلاهای دادخواه" را محکوم کرده و خواستار برخورد و تحت تعقیب قرار دادن "خاطیان" شدند. وکلای زندانی هم نه تنها اسیر زندان و تهدید شدند، بلکه از درون زندان نیز همچنان بر دادخواهی و شکایت حقوقی خود علیه مسئولان حکومتی به جرم سوءمدیریت کرونا و کشتار مردم ایران تاکید داشته اند. ایستادگی وکلای بازداشت شده در زندان و حمایت شماری از وکلای همکارشان در بیرون از زندان سبب شد تا در روزهای اخیر با مشخص شدن زمان دادگاه آنان، بیش از ۲۶۰ نفر از فعالین کارگری، معلمین، زنان، حقوق بشر و تعدادی از سینماگران سرشناس ضمن حمایت از اقدام وکلا و فعالان مدنی دستگیر شده خواهان برگزاری علنی دادگاه آنان شدند.

توماج صالحی، خواننده رب ایرانی که آهنگ های اعتراضی او - "زندگی نرمال" و "سورخ موش بخر" - انعکاس وسیعی در داخل و خارج کشور داشته است، روز ۲۱ شهریور توسط نیروهای امنیتی در منزلش بازداشت و با دستبند به زندان دستگرد اصفهان منتقل شد. به هنگام دستگیری توماج، ماموران امنیتی با ۴ ماشین و ۱۲ سرنشین به خانه او یورش بردند. این شکل بازداشت و تهاجم مغول وار نیروهای اطلاعاتی برای دستگیری کسی که به گفته خودش در کارگاه فلزکاری کار می کند، به عنوان یک خواننده رب زندگی علنی دارد و با اسم و آدرس مشخص در منزل خود زندگی می کند، بیانگر رویکرد جدید جمهوری اسلامی به هنگام بازداشت فعالان اجتماعی است. رویکردی به شدت وحشیانه با هدف ایجاد رعب و وحشت در جامعه، مرعوب ساختن فرد دستگیر شده، تخریب روحیه و درهم شکستن مقاومت او به هنگام بازجویی و پرونده سازی های امنیتی است. توماج در آهنگ "سورخ موش بخر" به تندی به مواضع جمهوری اسلامی و کسانی که در داخل و خارج سوپاپ اطمینان رژیم بوده و هستند، ناخفته است. او در این آهنگ با بیان اینکه "اگه سرپوش گذاشتی رو قتل، تو هم قاتلی، واسه پوشاندن جنایت باید روخون راه بری"، موج وسیعی از همدلی لایه های مختلف مردم را با خود بر انگیخت. با دستگیری توماج، شبکه های اجتماعی در گستره ای وسیع به حمایت او

دو سوی تقابل

شد. درست در هنگامه دستگیری و سرکوب معلمان، توماج صالحی به قید قرار وثیقه به طور موقت آزاد شده بود. توماج در دفاع از معلمان، زنجیر وثیقه و آزادی موقت را از دست و پای خود گسست و با اجرای یک کلیپ جدید به حمایت از معلمان برخاست. کلیپی که به سرعت در شبکه های اجتماعی به گردش درآمد. توماج در این تصنیف، با پرداختن به جایگاه والای معلم و نقشی که آنان در تربیت انسان "آزاد و سالم" دارند، فریاد بر کشیده است: "حالا دادی قلم به دست می زلم بجات، حالا که دست گذاشتن رو دهنتم، من میشم صدات/ به مون یاد دادین جلو ظلم و ایستیم، ما بذر شجاعیتیم که شما کاشتین/ بشکنه قلمی که لرزید رو ورق، و خفه باد گلویی که نگفت راسنین/ دیکته می کنم رو ورق لعنت به فساد، جای معلم در زندان نیست، لعنت به استبداد".

معلمان، نویسندگان، زنان، وکلا و دیگر زندانیان سیاسی اگرچه هرکدام در دوران حبس و یا به هنگام مرخصی و آزادی موقت، سهمی از مقاومت و ایستادگی را بازتاب داده اند، اما توماج صالحی دست کم تا این لحظه نوع دیگری از پایداری و ایستادگی را در مقابل نیروهای امنیتی رقم زده است. با این همه، او اولین کسی نیست که در این عرصه پا پیش گذاشته و دستگاه سرکوب را به چالش گرفته است. سپیده قلیان نمونه برجسته ای از زندانیان سیاسی این دوران است که هرگز اسیر وثیقه و مرخصی و آزادی موقت نشد و طی سه سالی که در جدال با بازداشت و زندان و شکنجه است، لحظه ای سکوت نکرد و در هر شرایطی علیه وضعیت وحشتناک زندان زنان در شوش و سپیدار اهواز و بوشهر و فشافویه افشاگری کرد و با صدای بلند خود بی پناهی زنان زندانی را فریاد کشید.

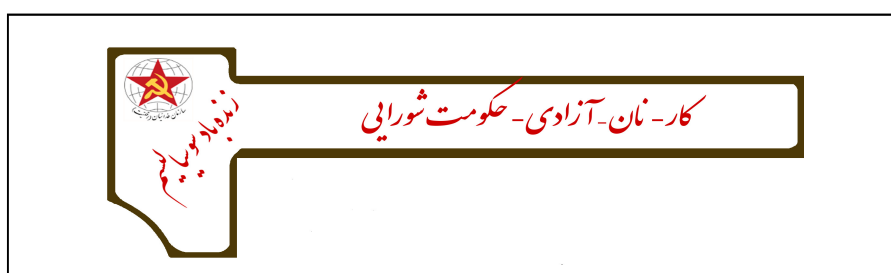
سپیده قلیان نخستین بار در شامگاه ۶ اسفند ۱۳۹۵ زمانی که دانشجوی سال چهارم رشته دامپزشکی بود، در منزل پدری اش بازداشت و به مکان نامعلومی برده شد. دلیل بازداشت او از طرف خانواده اش، "فعالیت در اینستاگرام" و "فعالیت مدنی" اعلام شد. در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۹۷ در جریان اعتراضات کارگری خوزستان، سپیده قلیان به همراه شماری از کارگران معترض بار دیگر بازداشت شد. او به همراه نمایندگان شرکت نیشکر هفت تپه از جمله اسماعیل بخشی به بازداشتگاهی در شهر شوش و سپس از آنجا به زندان سپیدار اهواز منتقل شد. از آن زمان، دوران مقاومت، ایستادگی و روشنگری های سپیده قلیان علیه شرایط بد زندان، شیوه های بازجویی و اعمال شکنجه آغاز، و نام او به عنوان حامی کارگران

هفت تپه در متن جامعه جاری شد. سپیده قلیان پس از یک ماه حبس، در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۹۷ با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی تا زمان برگزاری دادگاه آزاد شد. سپیده قلیان به هنگام آزادی موقت در تاریخ ۱۹ دیماه ۹۷، درست در زمانی که زنجیر وثیقه سنگین بر پایش بود، شرحی از شکنجه های صورت گرفته توسط ماموران اطلاعاتی را در صفحه توئیتر خودش منتشر کرد و مدعی شد که او و اسماعیل بخشی هر دو در روزهای بازداشت تحت شکنجه شدید قرار گرفتند. او همچنین نوشت که ماموران اطلاعات گفتند که تنها در صورت قبول "اتهامات جنسی" او را آزاد خواهند کرد. ده روز بعد از آزادی موقت، روز شنبه ۲۹ دی ۱۳۹۷، برنامه تلویزیونی بیست و سی با پخش گزارشی به نام "طراحی سوخته" با انتشار اوراق بازجویی تعدادی از دستگیرشدگان اعتراضات کارگری خوزستان از جمله سپیده قلیان به طرح اتهامات سخیفی علیه آنان پرداخت. یک روز پیش از پخش برنامه "طراحی سوخته"، سپیده قلیان در توئیتری نوشت: "روز آخر، باز جو می گفت اگر بیرون بروی و دهانت را باز کنی همین ادعاها و اعترافات اجباری تو و اسماعیل بخشی را در اخبار بیست و سی پخش خواهیم کرد و پودر تان خواهیم کرد". افشاگری زود هنگام و به موقع سپیده قلیان سبب دستگیری مجدد او شد. روز یکشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۷، ماموران امنیتی به خانه پدری سپیده قلیان یورش برده و او را بازداشت کردند. پس از چندی، سپیده قلیان با حکم دادگاه به ۱۹ سال و ۶ ماه محکوم شد و پس از ۹ ماه حبس در ۴ آبان ۱۳۹۸ به صورت موقت با تودیع قرار وثیقه یک و نیم میلیارد تومانی از زندان آزاد و محکومیتش در دادگاه تجدید نظر به ۵ سال حبس تعزیری کاهش یافت.

سپیده قلیان در دوران آزادی موقت، در ادامه روشنگری هایش در مورد زندان و شکنجه و اعمال فشارهای شدید بر زندانیان زن، کتاب "تیلایا خون هورالعظیم را هورت می کشد" در یازده روایت منتشر کرد. او در هر یک از روایات این کتاب به شیوه های شکنجه، تحقیر و تبعیض زنان و مردان جوان و نوجوان عرب اهوازی که به گروگان گرفته شده بودند، پرداخته است. سپیده قلیان، در تاریخ اول تیر ۱۳۹۹، پس

از حضور در واحد اجرای احکام دادرسی اوین جهت آزاد کردن قرار وثیقه خود توسط اجرای احکام بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. او سپس در تاریخ ۲۱ اسفند با دستبند و پابند از زندان اوین به زندان بوشهر تبعید شد. اینبار، افشاگری های او در مورد وضعیت نابسامان زنان در زندان بوشهر خبر ساز شد و نام او بار دیگر در گستره ای وسیع به شبکه های اجتماعی راه یافت. سپیده قلیان در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۴۰۰ بار دیگر از زندان بوشهر به مرخصی اعزام شد. در دوران مرخصی با استفاده از فرصت به دست آمده کلیبی از وضعیت خود و شرایط بد زنان زندانی منتشر کرد. او در این کلیپ ۲۵ دقیقه ای به روایت دردناک شرح حال خود و دیگر زندانیان زن در زندان های فشافویه و اوین و بوشهر پرداخته است. ساخت و انتشار این کلیپ، آنهم در ایام مرخصی چنان بر جمهوری اسلامی گران آمد که در اندک زمانی به بازداشت او منجر شد. نیروهای امنیتی روز دوشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۰، برای بازداشت او به منزل خواهرش در اهواز هجوم بردند. بر اساس براساس گزارش های انتشار یافته و مصاحبه مادر سپیده قلیان، در جریان این بازداشت، بیش از ۳۰ مامور زن و مرد به خانه خواهر سپیده قلیان یورش برده و تمامی تلفن های همراه خانواده را ضبط کرده و با خود برده اند.

موارد ذکر شده، نمونه های روشنی از نمایش دو سوی تقابل در جامعه است. در یک سوی این تقابل، جمهوری اسلامی با دستگاه های عریض و طویل سرکوب و بگیر و ببند و زندان و شکنجه قرار دارد، و سوی دیگر مردمی معترض با انبوه اعتراضات کارگران و معلمان و دیگر کنشگران اجتماعی که سرکوب و بازداشت و بازجویی و زندان را به هیچ گرفته اند. پوشیده نیست این شکل از مقاومت و ایستادگی و پایداری عناصر و گروه های مختلف اجتماعی برخاسته از دوران معینی است که از دیماه ۹۶ به این سو جامعه را فرا گرفته است. یک دوران پُر تلاطم انقلابی که توده های مردم ایران برای سرنوشتی جمهوری اسلامی خیز برداشته اند، دورانی پُر تحول همراه با جسارت و استقامت و پایداری که تحولات یک روز آن در چندین سال دوران رکود نمی گنجد.



پیروزی‌ها، ثمره اتحاد و تشکل مستقل کارگران هفت‌تپه



به سرکار بازخواهند گشت. اما این وعده هنوز عملی نشده و این خواست مهم کارگران تا این لحظه برآورده نشده است. آخرین خبرهای انتشار یافته در روز ۲۴ مهر حاکی از آن است که اداره کار شوش، حکم بازگشت به کار محمد خنیفر و ایمان اختری را صادر کرده است. بازگشت به کار محمد خنیفر و ایمان اختری را نیز بایستی پیروزی دیگری در سلسله پیروزی‌های کارگران هفت‌تپه به شمار آورد. اما این هنوز تمام ماجرا نیست چراکه وضعیت اسماعیل بخشی و سالار بیژنی هنوز مشخص نشده است. اداره کار شوش و سایر نهادهای مرتبط با این قضیه شاید تصور کنند با بازگشت به کار دو نفر، ماجرا خاتمه پیدا می‌کند و یا شاید با این کار قصد داشته باشند در صفوف کارگران دودستگی ایجاد کنند. اما کارگران هفت‌تپه هوشیارند، فریب نمی‌خورند و رفقا و یاران خویش را تنها نمی‌گذارند. مبارزه کارگران برای بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سالار بیژنی ادامه دارد. در سخنان ابراهیم عباسی منجری، یوسف بهمنی، امید آزادی، محمد خنیفر و دیگر کارگران در روز شنبه ۲۴ مهر، جملگی بر ادامه تلاش و مبارزه و پیگیری برای بازگشت به کار اسماعیل بخشی و بیژنی تأکید کردند. همه‌ی کارگران هفت‌تپه این را به‌خوبی می‌دانند بدون اسماعیل بخشی و مشعلی که او در هفت‌تپه برافروخت، پیروزی‌های امروز ممکن نبود. کام کارگر هفت‌تپه زمانی شیرین خواهد شد که اسماعیل بخشی نیز به خانه‌اش به هفت‌تپه بازگردد. بخشی و بیژنی نیز فوراً باید به سرکار بازگردند و خسارت‌های دوران اخراج کارگران اخراجی بایستی جبران و پرداخت شود.

از دیگر خواست‌های کارگران هفت‌تپه، سوی مختومه شدن پرونده فرزانه زیلابی و کیل کارگران، پرداخت فوری سه ماه حقوق معوقه، تسریع در عملیات کشت و اورهال و تعمیر کارخانه و تمدید قرارداد

در صفحه ۸

کند و بعد از پایان قرارداد، هفت‌تپه را رها کند و بعد از آن شرکت هفت‌تپه به سرمایه‌دار دیگری در بخش خصوصی واگذار شود. در عین حال بی‌توجهی کامل نسبت به اورهال کارخانه باعث بیکار ماندن کارگران کارخانه شده و این کارگران مستقیماً در معرض خطر اخراج و بیکاری قرار گیرند. کارگران هفت‌تپه که به‌حق هیچ‌گونه اعتمادی به دولت و نهادهای دولتی ندارند بیم دارند که کل این ماجرا نوعی مسکن و تاکتیکی برای خواباندن اعتصاب و آرام‌سازی کارگران باشد. کارگران هوشیار هفت‌تپه در جریان عمل، اوضاع را از نزدیک مورد بررسی قرار می‌دهند تا ارزیابی دقیقی از اوضاع جدید به دست آورند.

حرف کارگران این است که همراه مدیریت، مالکیت شرکت نیز بایستی مشخص و با آن تعیین تکلیف شود. کارگران هفت‌تپه خواهان تعیین تکلیف فوری مالکیت شرکت و شفاف‌سازی در این مورد هستند. بلا تکلیفی وضعیت مالکیت شرکت و احياناً واگذاری دوباره آن به سرمایه‌دار بخش خصوصی با واسطه یا بی‌واسطه شرکت توسعه نیشکر (هفت طرح) را تحت هیچ عنوانی نمی‌پذیرند.

اما کارگران هفت‌تپه خواست‌های مهم دیگری نیز دارند که هنوز برآورده نشده‌اند. در رأس این خواست‌ها بازگشت به کار کارگران اخراجی مطالبه گر، اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، ایمان اختری و بیژن



سالاری است که این روزها با قدرت و پشتکار بیشتری مطرح شده است. پیش از این در جریان اعتصاب و تجمع کارگران در مقابل اداره کار شوش، عبد الخانی سرپرست اداره کار شوش به کارگران قول داده بود به‌محض شروع کار مدیریت جدید، اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و دیگر کارگران اخراجی

داشت. استمرار این مبارزات و تجمعات مکرر در مقابل فرمانداری و اداره کار شوش و بالاخره حضور پررنگ کارگران مقابل استانداری خوزستان و خیابان‌های اهواز در روز ۱۷ مهر، دولت را وادار ساخت مدیریت جدیدی برای کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه تعیین کند. جدیت و پیگیری کارگران هفت‌تپه، اتحاد و استمرار کم‌نظیر و درازمدت مبارزات متشکل آن‌ها، سرانجام دولت را وادار نمود پنبه را از گوش‌های کر



خویش درآورد و تا حدی به خواست کارگران توجه کند. تعیین مدیریت جدید اگرچه یکی از خواست‌های کارگران هفت‌تپه بوده اما این تمام ماجرا نبود چراکه خواست کارگران فقط تعیین تکلیف مدیریت شرکت نبود بلکه تعیین تکلیف مالکیت شرکت نیز بوده است که در تصمیم اخیر دولت این موضوع همچنان نامعلوم و در پرده ابهام باقی مانده است. خیلی زود مشخص شد که سازمان گسترش صنایع ایران، مدیریت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه را به‌صورت پیمانی به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی (هفت طرح نیشکر خوزستان) واگذار نموده است. ابهام و ناروایی زمانی بیشتر شد که ناصری مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر، از انتقال نی‌های هفت‌تپه به کارخانه‌های نیشکر هفت طرح سخن گفت و موضوع اورهال کارخانه نیشکر هفت‌تپه را مسکوت گذاشت. بنابراین این شائبه قوت گرفته و کارگران را به‌شدت نگران ساخته مدیریت جدیدی که به‌صورت قرارداد پیمانی وارد هفت‌تپه شده، با برداشت محصول و انتقال آن به واحدهای نیشکری "هفت طرح" و همچنین پرداخت یکی دو ماه دستمزد که قرار است بانک ملی و بانک صادرات آن را تأمین کنند، کارگران را آرام و شرکت هفت‌تپه را به‌طور موقت از پیچ بحران رد

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیروزی‌ها، ثمره اتحاد و تشکل مستقل کارگران هفتتپه



اعتراضات خیابانی را ممکن ساخته است. در اثر حضور فعال همین تشکل است که امروز فعالیت و مبارزه متشکل در هفتتپه قائم به یک شخص نیست. تشکل مستقل کارگران هفتتپه رهبران عملی متعددی را در درون خود پرورش داده است. این واقعیتی است که حضور فعال سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه در محل کار و تولید و ارتباط زنده و فعال با بدنه کارگری به شدت کمرنگ و تضعیف شده است. چرائی این موضوع و باز کردن علل آن نیاز به بحث بیشتری دارد که از حوصله این نوشته خارج است و مقاله مستقل دیگری را می‌طلبد. اما تشکل مستقل و جدید کارگران یا همان مجمع نمایندگان که کارگران هفتتپه به تجربه و در جریان عمل به ضرورت ایجاد آن پی برده و آن را سازمان داده‌اند، تا حد زیادی آن را جبران نموده است.

سخنان ابراهیم عباسی منجزی روز ۱۲ مهر ۱۴۰۰ در هفتمین روز دور جدید اعتصاب، در تجمع کارگران مقابل فرمانداری شوش پیرامون مجمع نمایندگان کارگران هفتتپه و نیز سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه وضعیت و موقعیت واقعی تشکل کارگری در هفتتپه را بیان می‌کند. عباسی در توضیح دستاوردهای کارگران هفتتپه از اتحاد کارگران به عنوان یک فاکتور بسیار مهم یادکرد و در ادامه، به کاربست خرد جمعی و حضور حداکثری کارگران در صحنه اشاره نمود. وی از مجمع نمایندگان به عنوان یک تشکل مناسب و موفق در هفتتپه یادکرد. ابراهیم عباسی البته دستاوردهای سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه را نفی نکرد. وی از جاده انصاف خارج نشد و از پیشروان این سندیکا به احترام یاد نمود. اما از مجمع نمایندگان به عنوان تشکلی یادکرد که کارایی بیشتری در محل دارد و می‌تواند موفق‌تر باشد. برای اینکه مستند صحبت کرده باشیم، در اینجا خلاصه‌ای از سخنان عباسی را می‌آوریم.

در صفحه ۹

اگر مبارزات سندیکای کارگران هفتتپه در سال‌های گذشته و موضع‌گیری‌های آن نبود، اگر افشاگری‌ها و آگاه‌گری‌های کارگر مبارز هفتتپه اسماعیل بخشی، ابراهیم عباسی منجزی و سایر کارگران پیشرو هفتتپه و فعالیت متشکل آن‌ها به‌ویژه از سال ۹۷ به بعد نبود، نه صحبتی از خلعید از اسد بیگی مطرح بود، نه نشانی از بازداشت و محاکمه و حکم ۲۰ سال حبس وی در میان بود، نه از تغییر مدیریت خبری بود و نه حرفی از بازگشت به کار محمد خنیفر و ایمان اخصری و دو کارگر اخراجی دیگر زده می‌شد که البته هنوز به مرحله اجرا در نیامده است. پیروزی‌ها و توفیقات نسبی کارگران هفتتپه به‌ویژه از سال ۹۷ به بعد اساساً محصول اتحاد و مبارزات کارگران و فعالیت تشکل جدید و مستقل کارگران هفتتپه است که توسط خود کارگران در محل کار و تولید ایجاد شده است. این تشکل مستقل کارگران هفتتپه توانسته است با تکیه بر خرد جمعی و تصمیمات جمعی، اعتصابات و اعتراضات خیابانی کارگران هفتتپه را در ابعاد گسترده‌ای سازمان دهد و هدایت کند. کارگران آگاه و پیشرو هفتتپه در جریان اعتصابات و مبارزات پرشور خویش در سال ۹۷ تشکل جدیدی را پایه‌ریزی کردند. کارگران هفتتپه ۲۲ نماینده را از بخش‌های مختلف انتخاب کردند که مجمع نمایندگان را تشکیل دادند و این مجمع برای پیشبرد امور اجرایی جمع ۹ نفره ای را به نام شورا برگزید. مجمع نمایندگان به‌رغم برخی تغییرات درونی و جابجایی افراد آن، تشکل مستقلی است که در محل کار ایجاد شد و از آن تاریخ به بعد به فعالیت خود در هفتتپه و در میان کارگران ادامه داده است. تمام مبارزات و اعتصابات کارگران هفتتپه در طول این سال‌ها نشان می‌دهد که این تشکل مستقل کارگران هفتتپه، توانسته است ارتباط فعال و تنگاتنگی با بدنه کارگری برقرار نموده، آن را حفظ کند و گسترش دهد. این، تشکلی است که در عین حال توانسته است به تلفیق مناسبی از فعالیت علنی و غیرعلنی شکل دهد. رابطه نزدیک و فعال با بدنه کارگری و پیوند با توده کارگران، به این تشکل چهره‌ای زنده و فعال بخشیده و مکانیسم تکیه بر خرد جمعی و تصمیم جمعی و در نهایت سازمان‌دهی اعتصابات، تجمعات و

کارگران فصلی است که کمیتی حدود ۱۵۰۰ نفر را تشکیل می‌دهند. این‌ها اقداماتی هستند که با اجرای فوری آن‌ها، مدیریت جدید و وعده‌های مربوطه تا حدی محک زده می‌شود و پیروزی کارگران نیز عینیت بیشتری می‌یابد.

درست در میان همین تحولات و آغاز به کار شرکت و انتشار خبر بازگشت به کار محمد خنیفر و ایمان اخصری، سخنگوی قوه قضائیه در ۲۱ مهر ۱۴۰۰ احکام قطعی در ارتباط با پرونده اسد بیگی و رستمی مالکان پیشین کشت و صنعت نیشکر هفتتپه را اعلام کرد. مطابق این احکام، امید اسد بیگی و مهرداد رستمی مالکان قبلی شرکت نیشکر هفتتپه "به اتهام مشارکت در اخلاف در نظام ارزی از طریق قاچاق ارز و مباشرت



مستقیم در قاچاق عمده ارز" هریک به ۲۰ سال حبس و رد اموال و جزای نقدی محکوم شده‌اند. گرچه مجازات مربوطه در مقایسه با موارد مشابه بسیار سبک‌تر است، اما نباید فراموش کرد که اسد بیگی از آنجاکه رگ خواب مقامات و مأمورین دولتی را به دست آورده، یقیناً با دادن رشوه‌های کلان، برای لغو حکم یا تخفیف آن سعی خود را خواهد کرد. در حال این موضوع روشن است که اعلام حکم هنوز به معنای اجرای آن نیست. به همین خاطر یکی دیگر از خواست‌های کارگران هفتتپه، اجرای فوری حکم زندان اسد بیگی و رستمی است. بازداشت و محاکمه و مجازات امید اسد بیگی و رستمی، دلیل آشکار دیگری بر حقانیت کارگران هفتتپه و مبارزات آن‌هاست.

نیازی به توضیح نیست که اگر اتحاد و استمرار مبارزات کارگران هفتتپه نبود، اگر اعتصابات، تجمعات و اعتراضات خیابانی و پرشور کارگران هفتتپه نبود،

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

نامه ای به اسماعیل بخشی



سلام

هفت تپه بی تو بهاری ندارد
مرغ حق خواه بی تو آوایی ندارد
همه چیز از تو آغاز شد
پیروزی بر زبانت جاری بود
می دانستی؟ از این تلخ کامی های تو،
هزاران کام شیرین شده؟
میدانم که میدانی،
تو ما بودی و ما همه تو هستیم
تو هیچ وقت من نبودى و ما بر زبانت جاری بود
زخم بر تنت کاری بود
اما شکستی

ایستادی

اندیشه ات، سبز بود

مثل جنگل های گیلان و ساری سبز بود
خزان نتوانست تو را زمین گیر کند
این خستگی ها نتوانست تو را دلسرد و سیر کند
ما با دیدن شجاعت تو، قدم جای قدم های تو نهادیم
با هم رفتیم و به مقصد رسیدیم
امروز، پیروزی ها را گلدسته کردیم
هر چه گشتم لا به لای پیروزی ها تو را ندیدم
گر چه گلدسته های پیروزی فقط بوی
عطر تو را میداد،

آغازی بپا کردی که پایان ندارد

تو بدون چراغ در دل تاریکی به جنگ تمام عیاری رفتی و ابای از تیر به دستان
نداشتی

هرگز از شکست سرخورده نشدی و وسط راه تردیدی به دلت راه ندادی

میدانم که خسته ای

از دست روزگار دل شکسته ای

اما مگر بار اولت است،

که طعم تلخ زمین خوردن را می چشی

میدانم که زندگیگیت اگر سرشار از حلاوت باشد باز رگه های تلخی را حس می کنی

و آن رگه ها، درد و رنج همگان بود و هست

ستاندن حق برای همگان بود و هست

باید برگردی،

به خانه ات

به هفت تپه ات

شیر مردان و شیر زنان سرزمین هفت تپه چشم به راه تو هستند،

برگرد به سرزمین اتحاد

اینجا بی تو هیچ است

ما را به دست هیچ مسپار

ما چشم براهیم

تا نیایی رو سیاهیم

ما شرمندهی سنگر تو هستیم

ما را رو سیاه مگذار

ابراهیم عباسی منجری

هفت تپه

تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۴

از صفحه ی اینستاگرام ابراهیم عباسی منجری

پیروزی ها، ثمره اتحاد و تشکل مستقل کارگران

عباسی گفت: " با شورای پنج هزار نفری
تصمیم گرفتیم و نتایج زیادی گرفتیم.
بعضی اوقات شکست خوردیم، بعضی اوقات
بردیم، بعضی اوقات عقب نشینی کردیم. با
پشتوانه اعتصاب، مذاکره داشتیم با دولتی ها
و مسئولین" ابراهیم عباسی در ادامه سخنان
خود ضمن تأکید بر کار و خرد جمعی و
مرزبندی با فردگرایی و فرد محوری چنین
ادامه داد: " خرد جمعی در رأس کار است.
مجمع نمایندگان راه افتاد، مزایایی داشت،
آزمونی داشت، شاید خطا هم بود در آن
جمع، اما موفق بود. پنج سال کارگران
هفت تپه تونستند به مطالبات نسبی خودشان
دست پیدا کنند". ابراهیم عباسی ضمن اشاره
به اینکه ۲۲ نفر عضو مجمع نمایندگان بودند
که تعدادی حذف و از رده خارج شدند، در
مورد سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
می گوید: " بعضی ها می گویند سندیکا پیشرو
بوده و دستاورد داشته، بله، اما ما مجمع
نمایندگان و فعالین مستقل را تجربه کردیم و
فهمیدیم که کارایی بیشتری تو هفت تپه داره و
می تونه موفق تر باشه. پیشروان سندیکا
قابل احترام بودند زحمت کشیدند، اما ما
مجمع نمایندگان را می خواهیم و این را حتماً
انجام می دهیم. اثبات کردیم. " عباسی در
پایان سخنان خود ضمن اشاره به ابتکار
عمل کارگران که با اتکا به خرد جمعی درب
دفتر شورای اسلامی را گل گرفتند گفت: " "
ما در عمل اثبات کردیم که مجمع نمایندگان
برتر از سندیکا و شورای اسلامی است. "

تمام شواهد موجود و پروسه مبارزاتی چند
سال گذشته کارگران هفت تپه نیز حاکی از
آن است که بدون حضور و فعالیت تشکل
مستقل کارگران هفت تپه در محل کار و
تولید، بدون ادامه کاری و فعالیت این تشکل
که توانسته است ارتباط قابل توجهی با بدنه
کارگری برقرار سازد و نفوذ خویش را
در میان کارگران گسترش دهد، پیروزی های
نسبی کارگران هفت تپه و دستاوردهای
مبارزاتی اخیر از جمله بازگشت به کار محمد
خنیفر و ایمان اختری نیز ممکن و میسر
نبود. اکنون وقت آن است که اسماعیل بخشی
نخستین افشا کننده کلان اختلاس گر و ابر
قاچاقچی ارز و کسی که پرچم نان و کار و
آزادی و اداره شورایی را در هفت تپه به
اهتزاز درآورد به سرکار بازگردد. کارگران
آگاه و مبارز هفت تپه به حق پای بازگشت به
کار اسماعیل بخشی ایستاده اند و برای آن
تلاش می کنند. کارگران مبارز هفت تپه نباید
اجازه دهند موضوع بازگشت به کار
اسماعیل بخشی به درازا بکشد. زنده باد
کارگران مبارز هفت تپه! زنده باد تشکل
مستقل کارگری در محل کار و تولید.

پیروزی‌ها، ثمره اتحاد و تشکل مستقل کارگران هفت‌تپه

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

https://t.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 942 October 2021

امروز با مدیر و هیئت‌مدیره جدید کارش را آغاز کرد".
اعلام پی‌درپی این خبرها حاکی از کارساز شدن اعتراضات و اعتصابات خیابانی کارگران هفت‌تپه و عقب‌نشینی دولت در برابر کارگران است. دور جدید اعتصاب، تجمعات و اعتراضات پرشور و پرشمار خیابانی کارگران هفت‌تپه که از ۶ مهر آغاز شده با جدیت و با حضور گسترده کارگران ادامه در صفحه ۷

همکاری بانک‌ها پرداخت می‌شود" به دنبال آن ناصری مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، روز سه‌شنبه ۲۰ مهر در گفتگو با خبرنگار ایرنا، ضمن آنکه قول داد دستمزدهای عقب‌افتاده پرداخت شود، گفت: "همزمان با برداشت نیشکر محصولات هفت‌تپه به واحدهای نیشکری امام خمینی و دهخدا حمل می‌شود تا تبدیل به شکر شود." روز بعدازآن ۲۱ مهر در سایت شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی از قول همین فرد اعلام شد "هفت‌تپه از صبح



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .
FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و اشنایان خود برسانید .
مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat
Frequency: 12594
Polarization: Vertical/ عمودی
Symbol Rate: 27500
FEC: 2/3

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی